

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند

یکسره بی اساس باشد ولی میتواند

کاملاً غیراصولی باشد

بخش یازدهم

گاو نه من شیر

امیرفیض- حقوقدان

گاو نه من شیر ضرب المثلی مترادف با گاوی است که خیلی خوب و بیشتر از حد انتظار شیر میدهد، ولی آخردکار با لگدی که به ظرف شیر میزند همه را از بین میبرد؛ این مورد میتواند در رابطه با اظهارات آقای امید دانا و همفکرانش مانوس ایشان باشد.

ایشان یکبار در گذشته فصل مشابهی از حمایت و تجلیل از والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی با ارائه تصویر والاحضرت بیان کرد و آنرا مقدمه و لاف دفاع ازنامه هشدار و در نهایت درتائید محکومیت اعلیحضرت رضاشاه دوم به دشمنی باموجودیت ایران، برادرزاده همان والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بکار بست.

این امر دقیقاً مصداق همان ضرب المثل گاو نه من شیر است؛ و چه بهتر که ایشان گاو نه من شیر نبودند و در حد گاوهای معمولی همانند بسیاری از ما بودند و چنین اتهامی به برادر زاده والاحضرت متصدی سلطنت نمیزدند.

آیا روح والاحضرت شاهدخت راضی و خشنود است از این اتهام ناجوانمردانه امید دانا به اعلیحضرت رضاه دوم؟ بنظر میرسد که ایشان (امید دانا منتظر درگذشت والاحضرت بودند نا میدان را برای ترکتازی خود بدون رودریاستی به کار ببندند)

حساسیت اعلحضرت به ایران و ایرانیان

در سال ۱۳۶۶ که حملات هوایی و موشکی عراق علیه ایران اوج وسیعی یافت و شهرهای تهران و اصفهان و همدان و کرمانشاه و خوزستان زیر موشکهای عراقی قرار گرفتند اعلیحضرت رضاه دوم یعنی همین کسی که این بچه های تخس حکم دشمنی باموجودیت ایران را بنام ایشان ثبت و رای داده اند تلگرافی به دبیرکل سازمان ملل ارسال داشتند که متن آن از سن ۱۵ اسفند ماه سال ۶۶ آورده میشود

تا این بچه خودخواه سرکش بداند که تاجه اندازه از انصاف و مرادنگی و همان صفات کردار نیست و با گفتار نیک و پندار نیک بیگانه است:

تلگراف اعلیحضرت رضاشاه دوم به دبیرکل

سازمان ملل متحد

بمناسبت بمباران شهرهای ایــــران تاریخ چهارم مارس ۱۹۸۸

آقای دبیرکل، من از شما میخوام که هرچه سریعتر برای پایان دادن فوری به حملات موشکی و بمباران شهرها و نواحی مسکونی ایران توسط عراق اقدام کنید. بسیاری از هموطنان من در نتیجه این حملات جان خود را از دست داده اند.

در آغاز تجاوز عراق به ایران، همه هموطنان، علیرغم مخالفت خود با رژیم غاصب، برای عقب راندن نیروهای متجاوز از خاک ایران، یکپارچه درنبرد میهنی شرکت کردند اما سرکردگان رژیم ایران در سالهای اخیر از ادامه جنگ تنها به خاطر ادامه استبداد و وحشیانه خود استفاده میکنند.

گسرنش کنونی مخاصمات، حاصلی جز ضایعات بیشتر برای ملت ایران ندارد. از همین روست که پایان بخشیدن به جنگ و برقراری صلی شرافتمندانه که متضمن حقوق مشروع و حقه ایران باشد وظیفه ای است که بردوش همه جوامع بین المللی سنگینی میکند.

سازمان ملل متحد که در تامين صلح بين المللی رسالتی تاریخی بر عهده گرفته است با سکوت خود در برابر ادامه خونریزی و کشتار و مرگ هزاران هموطن بی گناه من خود را در معرض اعتراض شدید ملتهای جهان قرار خواهد داد.

از همین روست که من از سوی هم وطنان خود بار دیگر از شما میخوام که نسبت به توقف این حملات غیر انسانی از بذل تلاش لازم کوتاهی نکنید.

رضا پهلوی

طرح یشتیانی

سنگریلافاصه در فردای همان روز تلگراف، فوق العاده ای تحت عنوان خیلی فوری انتشار داد و در تحریری بنام یشتیانی از ایرانیان خواست که:

>برماست که در این حرکت میهنی که به پیشگامی شهریار ایران آغاز گردیده است شرکتی موثر و قاطع داشته باشیم نشان دهیم که ایرانی هستیم و نسبت به منافع وطن و ملت بسیار حساسیم مشارکت در این حرکت عظیم میهنی و تائید خواست همایونی که انتظار ملت است اعلی وظیفه و مقدم ترین تلاش مبارزانی است برای تحقق این هدف انسانی و میهنی بنظر رسید که کاری دسته جمعی در حدود و شبیهه

(اعلام عام) میتواند موضوع را برای سازمان ملل در مقام توجه بیشتری قرار دهد و حصول مقصود را سریعتر ممکن سازد. فوریت و حساسیت موضوع لازم ساخت که ضمیمه این فوق العاده ۲ نسخه فرم پشتیبانی برای تسریع و سهولت و راهنمایی پیوست است.

و بعد در همان شماره سنگر، تاکید بر فوری بودن موضوع مطرح و کیفیت پر کردن فرمها هم توضیح داده شد (سنگر ۱۵ اسفند ماه ۶۶)

در شماره های بعدی سنگر، گزارش امضاهای جمع شده با استحضار ایرانیان رسانده شد. از باب نمونه در سنگر اول فروردین (بفاصله ۱۵ روز از ارسال فرمها) گزارش طرح پشتیبانی چنین داده شده است:

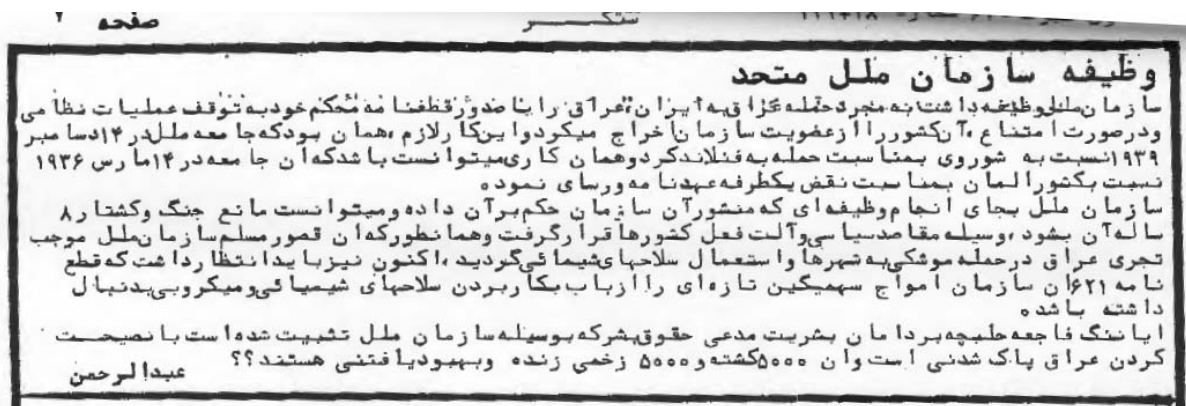
گزارش یکم - به عرض ایرانیان میرساند:

اولین مجلد فرمهای امضا شده طرح پشتیبانی در ساعت ۱۵ روز پنجشنبه ۲۷ اسفند ماه ۶۶ مشتمل بر ۱۹۸ برگ با ۲۵۱۰ امضا بوزن پستی ۹۵۰ گرم و دومین مجلد در ساعت ۱۵ روز جمعه ۲۸ اسفند مشتمل بر ۸۷ برگ با ۹۹۵ امضا و سومین مجلد در روز اول فروردین ماه ۶۷ مشتمل بر ۱۲۱ برگ با ۱۴۹۱ امضا بوزن ۷۰۸ گرم با پست سفارشی اکسپرس به سازمان ملل متحد ارسال شد.

گزارش بالا نشانگر گردش طرح پشتیبانی تا ساعت ۱۶ روز دوشنبه اول فروردین ۶۷ است؛ گزارش مشروح در پایان اجرای طرح به استحضار خواهد رسید.

(سنگر اول فروردین ۷)

گزارش نهانی طرح پشتیبانی در سنگر اول تیرماه سال ۶۷ منتشر شد (از جاوید ایران خواهش دارم آن گزارش را که از همان سنگر برایشان فتوکپی خواهم فرستاد (تایپ از روی نوشته برایم خیلی سخت است) در اینجا بگذارد:



گزارش طرح پشتیبانی ، آورده از صفحه یک

اجازه میخواهد گزارش طرح پشتیبانی را با ستحضر رایران یاران گرامی برساند
 روز جمعه ۱۴ اسفندماه ۶۶، متن تلگراف مورخ چهاردهم مارچ ۱۹۸۸ اعلیحضرت همایونی به دبیرکل
 سازمان ملل متحد، بوسیله تلغین به این سرباز ابلاغ گردیده
 در فاصله زمانی که متن تلگراف یادداشت میشد، تصویری از اجرای طرحی بمنظور پشتیبانی از اراده و تصمیم
 اعلیحضرت همایونی در فکرم جاسازی گردیده
 از آنجا که سنگر شماره ۱۰+ ۳۳۲ مورخ ۱۵ اسفند بسته شده بود، بلافاصله سنگر شماره ۱۱ به همان تاریخ
 ۱۵ اسفند در یک صفحه بصورت اضطراری، متضمن تلگراف همایونی به دبیرکل سازمان ملل و کلیات طرح
 پشتیبانی آماده و به همراه نامه‌هایی برای سازمانهایی که به سمت و فعالیت آنها میدیود، در اولین
 ساعت روز داری دوشنبه ۱۷ اسفندماه پست گردیده

اولین فرم امضا شده طرح پشتیبانی از سوی آقای علی " ر " مقیم آمریکا به فاصله زمانی ۷۲ ساعت
 و دومین آنها از طرف تیمسار " ش " به فاصله کوتاهی با پست فوری **Over night** به سنگر واصل
 گردیده در هفته اول اجرای طرح ۹ پاکت و در هفته دوم ۷ پاکت فرمهای امضا شده از طریق پست
Over night به سنگر رسید و میتوان گفت تا پایان طرح ، بغیر از تعداد معدودی بقیه بوسیله
 پست اکسپرس ارسال گردیده است .

چگونگی ارسال فرمها به سازمان ملل متحد

تا پایان روز دوشنبه ۱۵ خردادماه کل فرمهای امضا شده طرح پشتیبانی برابر با ۱۹۳۸ برگ مشتمل
 بر ۶۵۰ ۲۵ امضا گزارش میشود

فرمهای رسیده به سنگر هر روز تحویل و پس از شمارش و صورت برداری و تهیه فتوکپی و تجلید با پست
 سفارشی اکسپرس به سازمان ملل متحد ارسال گردیده است .
 کیفیت ضبط و ربط فرمهای مزبور به گونه‌ای است که دقیقاً معلوم است که هر ورقه از فرمها توسط چه
 شخص و یا سازمانی در چه تاریخی و با چه نوع پستی به سنگر رسیده است .
 مجموع مجلدات آرسالی به سازمان ملل ۱۴ جلد است که هر یک رنگ مخصوص و متمایزی داشته و روی هر جلد
 با خط درشت ، تعداد امضاها و تاریخ و شماره جلد قید گردیده است .
 گردش پستی مجلدات مزبور به قرار زیر است :

شماره قبضیستی	تاریخ ارسال	وزن پستی	تعداد امضا	تعداد برگ	تعداد جلد
۷۳۸	۶۶/۱۲/۲۷	۹۵۰	۲۵۱۰	۱۹۸	جلد اول
۷۴۹	۶۶/۱۲/۲۸	۴۵۰	۹۹۵	۸۷	جلد دوم
۷۷۳	۶۷/۱/۱	۷۰۸	۱۴۹۱	۱۲۱	جلد سوم
۷۸۹	۶۷/۱/۳	۶۷۶	۷۶۴	۱۱۴	جلد چهارم
۸۱۶	۶۷/۱/۸	۱۱۵۰	۲۴۹۰	۱۸۱	جلد پنجم
۸۳۸	۶۷/۱/۱۰	۵۴۸	۹۵۵	۸۲	جلد ششم
۳۰۵	۶۷/۱/۱۷	۸۵۰	۱۵۴۴	۱۳۹	جلد هفتم
۴۱۴	۶۷/۱/۲۲	۱۱۰۰	۲۶۰۹	۲۰۷	جلد هشتم
۴۷۶	۶۷/۱/۲۹	۱۳۰۰	۳۲۳۰	۲۵۹	جلد نهم
۵۵۰	۶۷/۱/۵	۱۱۰۰	۱۱۲۲	۱۲۰	جلد دهم
۲۰۲	۶۷/۲/۱۲	۹۰۰	۳۵۷۲	۱۴۵	جلد یازدهم
۲۸۲	۶۷/۳/۱۶	۱۲۰۰	۳۲۱۴	۲۲۵	جلد دوازدهم
		۱۰ ۹۳۲	۲۵ ۶۵۰	۱ ۹۳۸	

فتوکپی کوچک شده قروض پستی مجلدات ارسال شده به سازمان ملل ، ذیلا تقدیم تا محققینی که بعدها
 در باب جنگ عراق و ایران و خسارات ناشیه از آن تحقیق میکنند ، اسناد مورد استناد آنان در اختیارشان
 قرار داشته باشد
 در گزارشات مقدماتی طرح پشتیبانی که در سنگرهای گذشته آمده ، در نسبت تاریخ ارسال برخی از مجلدات ، به سازمان ملل اعتبارهایی روی داده
 که صحیح آن در بالا قابل ملاحظه میباشد

بقیه در صفحه ۱۰۰

گاو نه من شیر نبودم

یکی از اهداف اشاره به طرح پشتیبانی که فرصت بحث درباره نامه هشدار را هم گرفت بدین مقصود است
 که دیدم آقای امید دانا و خانم رکسانا گنجی روی سابقه شاهدهوستی خودشان سرمایه گذاری لفظی کردند
 خواستم گفته باشم که دیگران هم در راه میهن و سلطنت اعلیحضرت رضاشاه دوم کارهایی کم و یا زیاد
 کرده اند؛ ولی گاو نه من شیر نبوده اند، شاه دوستی مانند میهن پرستی است نه افتخاری دارد و نه
 امتیازی یک تکلیف عام انسانی است که طبیعت در وجود هر ایرانی نهاده است.

آقای گاو نه من شیر

آقای امید دانا شما به اعلیحضرتی که این چنین نگران ملت و ایران بوده وهستند عنوان دشمن موجودیت ایران داده اید.

شرم بر همه ما مردم باد وبیشتر برآنانی باد که این عبارت <دشمنی با موجودیت ایران> را وارد فرهنگ سیاسی مبارزه ایرانیان خارج ازکشور کردند. عبارت مزبور درشناسنامه مسلمانان قشری جمهوری اسلامی ضبط و ثبت است؛ نه ایرانیان خارج ازکشور ودرصدر آنان متصدی سلطنت ایران، و شخص شما آقای دانا و همفکرانتان بانی این ننگ هستید.

آقای عرب

آقای مصطفی عرب که شهرام همایون وهمین آقای امید دانا زیرشخصیت مبارزاتی شما خیمه زده اند، چرا سرکار اعلیحضرت رضا پهلوی را دشمن موجودیت ایران میدانید؟! شما که اهل تحریر و تتبع هستید بفرمانید این اتهام سخت و ویرانگری را که شما به اعلیحضرت و یا بقول خودتان به یک شهروند عادی داده اید اثبات کنید. این ندای وجدان است، برای مردم باوجدان؟

اگرکسانی مانند امید دانا وخانم گنجی ودیگران ندانند که بارحقوقی واتهامی دشمنی با موجودیت ایران چه است شما که با قانون ارتش آگاهی که میدانید مجازات آن چیست؟ سرکار و همانند شما درنامه هشدار هم مدعی هستید وهم قاضی وصادرکننده حکم؛ آیا این طریق اصولی است که شما زیر آن امضا گذاشته اید؟

میدانید که اینجانب باروحیه ونوشته های شما آشنا هستم؛ سرکار را در ردیف طولانی منتقدین اعلیحضرت میشناختم ولی نمیدانستم که درماهیت منتظر فرصتی هستید که حکم دشمنی با موجودیت ایران را به گردن اعلیحضرت بیاندازید. آیا میدانید که تنها کسی که از میان ۸۰ میلیون ایرانی داخل و خارج با چنین حکمی که به تائید ۵۱ نفر و اصرار اصالت! رسیده محکوم شده شخص متصدی سلطنت و قطب امید مردم ونماینده هویت ملی است و باید منتظر اجرای حکم یعنی اعدام باشد. و این کارکه یک جنایت ملی ومیهنی است، بهمت نابجای شما وعده ای دیگر انجام گرفته است؟ فراموش نکنید که شخصیت شما همانطور که شهرام همایون و امید دانا مستند قراردادند سنگینی نامه مزبور را بردوش دارد.

مادرهای قدیم عادت داشتند که فرزندانشان را نفرین میکردند (خدا مرگت بده - ذلیل بشی - بزمین گرم بخوری وامثال آنها یک طومار) ولی آیا حاضر بودند که زیرنفرین خودشان امضا کنند تا آن نفرین جنبه عملی پیدا کند؟؟ البته که خیر. مقصود این است که گاه انسان عصبانی است، از کنترل خارج میشود نباید آنرا بصورت تصدیق درآورد وتائید کرد و بعد هم پشت آن بایستد، بلکه دراولین فرصت رفع اثر کند. همین روزها خانم کلینتون که در اثرعصبانیت جمله سنگینی را حواله طرفداران ترامپ کرده بود فوراً پس گرفت. **همین آقای شهرام همایون درمصاحبه ای گفت: <شاهزاده یک پدیده ای است چکارش کنیم سمش بدهیم> آیا ممکن است آنرا امضا کند؟ ابداً چرا که یا از دهانش پریده ویا نفهمیده. شما و آقایان**

وخانمها چرا درک این خلاف کاری ویا اشتباه کاری ویا بیشتر تحت تاثیر قرار گرفتن وحتى جعل نام برخی ازنامهها مانند نام خانم پری دخت موسوی که اعلام کرده ازجریان نامه کاملا بی اطلاع بوده است را نمیکنید.

انتقاد درنامه مزبور یک فصل است واجباربه برانت ودرنهایت حکم محکومیت اعلیحضرت فصل دیگری است. میتوانم تصورکنم که سرکار تحت تاثیرقسمت نخست نامه هشدار، ازدرک اثرات قسمت های دوم و سوم نامه که برانت وحکم مجازات است غفلت کرده اید.

سی سال مجله پژوهش منتشرکردن وبنابراظهارشهرام همایون شاه، شاه گفتن (بنده ندیدم) با همین تبعیت و دنباله روی ازنامه هشدار بریاد رفته است. چه نزدیک به ضرب المثل گاو نه من شیراست عمل شما آقای عرب.

آقای عرب، آقای امید دانا رئیس عملیات نامه هشدار، گفته است: >این بیانیه آنقدردقیق است که مخالفت با آن مخالفت با اصل حاکمیت واستقلال کشوراست< یعنی مخالفت با حکم محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران به منزله مخالفت با استقلال وتمامیت ارضی کشوراست. شما این ادعا را قبول دارید؟؟ چه جالب وجای امتنان حداقل برای بنده است که از دلایل سرکار در این زمینه مطلع شوم. آیا سرکار یک ذره ارتباط لازم وملزومی رادر این ادعای امید دانا می بینید؟؟ که آنرا امضا وسپر بلا شده اید.